

به مناسبت صدومین سالگرد انقلاب مشروطه ایران

تهیه و تنظیم از شیردل

۱۳۸۵

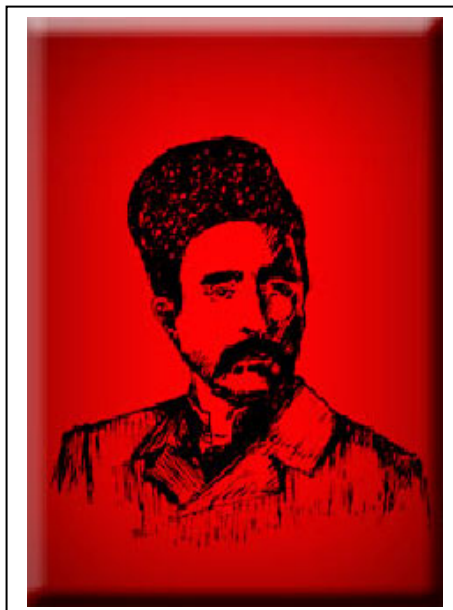


درسهائی از انقلاب مشروطه ایران ۱۳ مرداد ۱۲۸۵

این مقاله از ارگان مرکزی حزب کارگران و دهقانان ایران که در تاریخ ۱۶ مرداد ماه سال ۱۳۵۹ استخراج گردید.

در آستانه انقلاب مشروطه نظام فئودالی که در طی قرن ها در کشور ما دست نخورده باقی مانده بود، همچنان حکمروانی می کرد. مالکیت بزرگ ارضی، تیول و اقطاع، سیورسات، رسوم و عاداتی که آخرین رمق دهقانان را میکشید، خود سری مالکان و حکام، استبداد مطلق، فساد دربار و دولت از مشخصات دوران قاجار بود. علاوه بر استثمار و ستم فئودالی، سلطه امپریالیست های روسی و انگلیسی، استثمار مستعمراتی آن ها، مداخلات بی پروا و زور گویی های علنی آن می گردانید.

امپریالیست ها بوسیله داد ترکن چای و گلستان، به نظامی خود را مبداء تجاوزات افکن، تحمیل وام های کمر شکن ساختند. بازرگانی خارجی ایران این معنی که بیش از ۸۰ درصد دوکشور صورت می گرفت و آن خودشان بود به ایران تحمیل می مشروطه بصورت کشوری نیمه یکی از انگیزه های انقلاب امپریالیست ها از منابع و از میان دو دولت امپریالیستی علل تاریخی، از نفوذ بیشتری در ایران، بیش از انقلاب، مانند اقتصاد و سیاست بشمار می آمد

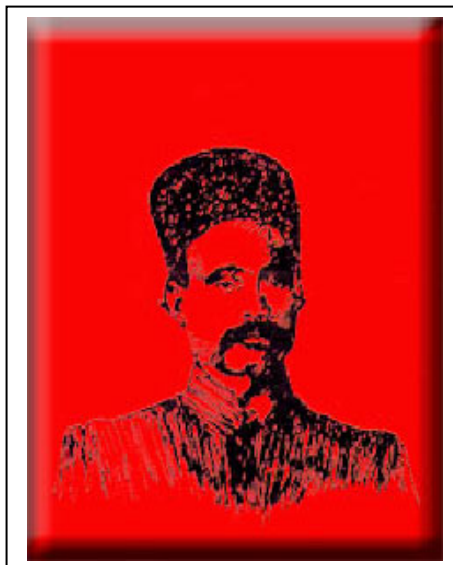


قراردادهای راهزنانه ای نظیر قرار تجزیه ایران پرداختند و تجاوزات اقتصادی، اخذ امتیازات استقلال بر و نظارت بر مالیه و گمرک ایران در دست روس و انگلیس بود، به بازرگانی خارجی ایران با این ها هر کالا و بهانی را که به سود کردند. ایران در آستانه انقلاب مستعمره در آمده بود.

مشروطه ایران، کوتاه نمودن دست دسترنج خلق های ایران بود. روس و انگلیس، دولت روسیه به درباره قاجاریان برخوردار بود. کلیه دوران فئودالی، شهر ها مرکز و در آستانه انقلاب مشروطه ایران،

دو طبقه سرمایه داری ملی و طبقه کارگر ایران قدم به عرصه زندگی اجتماعی نهاده.

در همین سال ها، وخامت وضع زندگی توده های محروم، موجب تلاطمات شدیدی در شهر های مختلف ایران گردید. در تابستان سال ۱۲۷۲، در اثر مالیات های گران و احتکار گندم در شهر مشهد، قحطی روی داد. مردم به دکان های هجوم آورده، زندانیان را آزاد مهم سیاسی در ایران به ظهور که مستقیماً منافع دهقانان، کسبه، را تهدید می کرد. این امر موجب شهرهای تهران و تبریز و اصفهان برخی از روحانیون به همراهی با مجتهدان بنام میرزا حسن آشتیانی، کردو به این طریق، فعالیت شرکت و سيع ضد استعماری در ایران



نانوایی ریختند و به زندان ها ساختند. در همین سال، حادثه رسید که دادن امتیاز تنباکو بود بازرگانان و پیشه وران ایرانی شورش های اعتراضی در و شیراز و سایر شهر ها گردید. مردم برخاستند و یکی از فتوای تحریم تنباکو را صادر بکلی فلج گردید. نخستین نهضت بشمار می آید.

از آن پس، جنبش انقلابی مردم، نزد خلق روشن بود و آن اینکه شود. تا اینکه، بدنبال گسترش روز ۱۳ مرداد ۱۲۸۵، فرمان مشروطه معروف است صادر نخستین مجلس ایران، پس از

دائم اوج می گرفت و یک چیز در به استبداد مطلق باید خاتمه داده جنبش و مبارزات انقلابی مردم، مظفرالدین شاه که به فرمان گردید.

انتخاب ۵۰ وکیل تهران در ۱۴ مهر

سال ۱۲۸۵ شروع به کار کردو بسیاری از نمایندگان با بازرگانان و پیشه وران، شیخ و یا سید یعنی؛ با روحانیون در پیوند نزدیک بودند. مجلس اول باتمام نقایصی که داشت، مترقی ترین مجلس ایران بشمار می آید. با اعتلاء نهضت مشروطه خواهی، مبارزه کارگران و کارمندان برای بهبود شرایط زندگی خویش آغاز شد.

تاسیس اتحادیه های کارگری که پس از اعلام مشروطه آغاز شد، پدیده ای کاملاً بی سابقه و نو ظهور و از لحاظ آینده بسیار مهم بود. نخست کارگران چاپخانه های تهران دست به تشکیل اتحادیه زدند، بعد کارگران تراموای تهران، بعد کارگران تلگرافخانه و بعد قالی بافان کرمان.

در همان موقع که مبارزه بر سر تحصیل قانون اساسی درگیر بود، نخستین انجمن مرکب از نمایندگان مردم تبریز برای دفاع از دموکراسی و مشروطه قدرت دموکراتیک در ایران بودند و ایران، مانند بندر عباس و لنگه و گشتند.

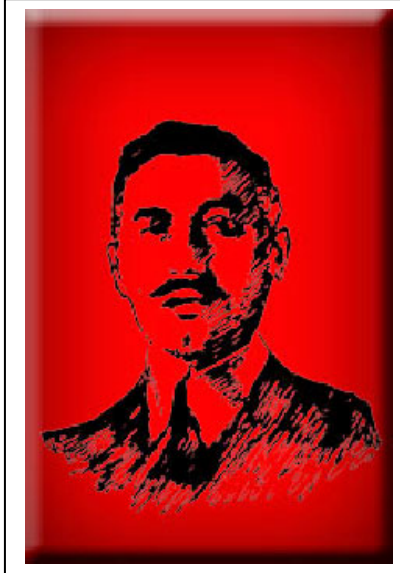
انجمنی که منجر به گرفتن قانون حرکت در آورد. پس دیده میشود که پس از تحصیل قانون اساسی، توده ها را از تاریکی بیرون کشیده، رهنمون می نماید.

برای درک نقش روحانیون بزرگ در قاجاری ها، روحانیت یکی از دو سلطنت، عنان به عنان می رفت. بزرگ بودند و بعلاوه املاک موقوفه همچنین خمس و زکات را در اختیار از این جهت، آن ها همیشه در احراز درباریان، در رقابت بودند. براساس اعتماد مردم بود که عده ای از مشروطه پیوستند. ولی آنان تا مرز معینی می توانستند با انقلاب همراه باشند و همینکه بدان مرز رسیدند، عنان در کشیدند.

۲۸ دیماه ۱۲۸۵، محمد علیشاه بجای پدر نشست ولی در مراسم تاجگذاری خود، نمایندگان مجلس را دعوت نکرد و مجلس بود.

های دشمنی خود با مجلس و خواسته و به صدار عظمی گماشت. روحانیون مرتجع و پیش کشیدن یکی از روحانیون درباری (شیخ اساسی، این اصل را پیش کشید که تشکیل شود، تا کلیه قوانین مصوب نگیهان) و هر قانون که آنجا دهد، از عنوان قانونیت خواهد افتاد

در ۲۴ خرداد توانستند اصل قانون اساسی بگنجانند. ماده که سرنوشت دموکراسی را سپرد، عملی شود.



برای درک نقش روحانیون بزرگ در قاجاری ها، روحانیت یکی از دو سلطنت، عنان به عنان می رفت. بزرگ بودند و بعلاوه املاک موقوفه همچنین خمس و زکات را در اختیار از این جهت، آن ها همیشه در احراز درباریان، در رقابت بودند. براساس اعتماد مردم بود که عده ای از مشروطه پیوستند. ولی آنان تا مرز معینی می توانستند با انقلاب همراه باشند و همینکه بدان مرز رسیدند، عنان در کشیدند.

۲۸ دیماه ۱۲۸۵، محمد علیشاه بجای پدر نشست ولی در مراسم تاجگذاری خود، نمایندگان مجلس را دعوت نکرد و مجلس بود. این نشانه روشنی از دشمنی او با محمد علیشاه برای اجرای نقشه مشروطه، امین سلطان را از اروپا از اقدامات اتابک یکی تقویت «شریعت» در برابر مشروطه بود. فضل اله) در موقع طرح متمم قانون باید انجمنی از علمای طراز اول مجلس را از نظر بگذراند (شورای مخالف احکام شریعت تشخیص و قابل اجرا نخواهد بود.

بلاخره دربار و روحانیون مرتجع پیشنهادی شیخ فضل اله را در متمم البته سیر مشروطیت اجازه نداد این بدست روحانیون عامل دربار می



نقلاب پیروز شد ولی شکست وی از همان روز پیروزی آغاز گردید.

محمد علی شاه و امین السلطان، برای از بین بردن مشروطه، در عین حال به تحریک اشرا مشغول بودند. روز ۲۳ آذر ۱۲۸۶، به تحریک دربار، عده ای از اوباش (چماق بدستان) در میدان توپخانه تهران اجتماع کرده، روانه مجلس شدند. ولی چون با مقاومت محافظین مجلس روبرو گشتند، به میدان توپخانه برگشته، از آنجا حمله ور به خیابان ها و کوچه های شهر شده و به خلع سلاح مردم و غارت خانه ها و دکانها پرداختند.

به حرحال با اقدامات قاطع انقلابیون، اجتماع توپخانه پراکنده شد. معذالک، نوکران استبداد در تبریز ساکت نماندند و روز ۲۴ دی ماه به بازار ریخته به شرارت دست زدند و تدارک حمله بر انجمن تبریز را دیدند.

مداخلات صریح امپریالیسم روس و انگلیس نیز، در ایران شدت یافت و انقلاب ایران، صریحا با جبهه متحد امپریالیسم انگلستان و روسیه روبرو شد.

به این طریق، انقلاب ایران از هر طرف در معرض تهدید خارجی قرار داشت. محمد علی شاه فرصت را غنیمت شمرده درصد برآمد که انقلاب را بانروی نظامی یکباره درهم شکنند.

۲ تیرماه، قزاق ها به سرکردگی کلنل لیاخوف به تهران هجوم آورده، میدان بهارستان را اشغال کردند و توپ های خود را رو به مجلس کار گذاشتند. مجلس آمادگی نداشت. سران دوروغین مشروطیت، تا توانسته بودند، تنور شوق مردم را فرونشاندند، اجتماعات را به هم زده و مجاهدان را خلع سلاح کرده بودند. از همان روز، گرفتن و زدن و کشتن آغاز شد و دادگاه معروف به باغشاه به کار افتاد.

پس از کودتای محمد علی شاه، مشروطیت از سراسر ایران، جز تبریز، برافتاد. جوش و خروش تبریز و ایستادگی دلیرانه آن روح جدیدی در سراسر ایران استبداد زده دمید. گیلان زودتر از سایر شهرستان ها برخاست. مقارن این احوال، و کمی زودتر از آن در اصفهان نهضت ضد استبداد اوج گرفت و بالاخره، قوای مشروطه وارد تهران شده، عمارت مجلس را به تصرف درآوردند و هزاران تن از تهرانیان مشروطه خواه به آنان پیوستند. محمد علی شاه، ذلیل و حقیر، در زرگنده، به سفارت روس پناهنده گردید.

انقلاب پیروز شد ولی شکست وی از همان روز پیروزی آغاز گردید. دولت هائیکه پس از فتح تهران روی کار آمدند، هدف دیگری جز خاموش کردن انقلاب نداشتند. کافیسیت که به برنامه دومین دولت سپهدار نظری بیافکنیم این برنامه فقط باهدف مهار کشیدن و تحکیم دستگاه دولتی موجود تنظیم شده بود و کمترین ارزش انقلابی نداشت.

دولت هائیکه پس از فتح تهران روی کارآمدند دستگاه دولتی محمد علی شاهی را دست نخورده نگهداشتند و کوشیدند تا هسته های قدرت توده ای را که در آذربایجان و گیلان به وجود آمده بود، نابود کنند و از ارتش خلق را که در آن دو شهر ستان قدم به عرضه گذاشته بود، از میان بردارند. بسیار جالب توجه و عبرت انگیز است که دولت سپهدار بریگاد قزاق را - همان بریگادی را که عامل به توب بستن مجلس بود، و در موقع فتح تهران در برابر قوای مشروطه خواه ایستاده - دست نخورده نگهداشت، سران بختیاری را نیز به حال خود گذاشت، ولی باتمام قوا به خلع سلاح فدانیان و مجاهدان پرداخت.

دولت های پس از فتح تهران هر فرصتی را غنیمت شمرند، تا ضربه ای بر نیروهای دموکراتیک وارد آورند. مثلاً، به بهانه پیاده شدن محمد علیشاه به گومیشان، لزوم حفظ نظم و امنیت را در پیش کشیده. در ۲۷ تیرماه ۱۲۹۰ قانون حکومت نظامی را از تصویب مجلس گذراندند که نه فقط بر علیه محافل ارتجاعی و توطئه گران، بلکه بر علیه هرگونه اجتماع و به ویژه بر علیه انجمن ها و اقدامات دموکراتیک آن ها متوجه بود. ماده ۱۰۰ این قانون می گوید: «اجتماعات و انجمن ها در مدت حکومت نظامی باید موقوف و متروک باشد» و درست در موقعیکه پاسداری از انقلاب ایران، بیش از هر موقع مقتضی بسیج توده ای مردم بود، این کار را به عنوان جرم محکوم میکرد. در طی مبارزه با محمد علی شاه و پیش از خلع او مردم ایران بیش از پیش، تعدیات و مداخلات امپریالیست های روس و انگلیس را به عیان می دیدند و از این جهت در مراحل اخیر انقلاب ایران، بطور مستقیم مبارزات ضد امپریالیستی اوج گرفت. دردی ماه ۱۲۸۸۰ توده های دهقانان انزلی با چوبدست بر کنسولگری روس و عمارات امتیازات شیلات حمله آوردند. روز ۳۰ آبان ۱۲۹۰، ارتش روس در خاک انزلی پیاده گشت.

روز ۱۰ آذر ۱۲۹۰، اولتیماتوم روسیه به دولت ایران واصل شد که مطالبه می کرد «دولت ایران هیچ مستشار خارجی بدون موافقت قبلی نمایندگان روس و انگلیس در تهران نیاورد.»

در میان شور و هیجان ضد امپریالیستی مردم، پذیرفتن اولتیماتوم روسیه برای مجلس میسر نبود. مجلس اولتیماتوم را در ۱۰ آذر رد کرد. ولی دولت زبون ایران، به جای آنکه از آمادگی توده های مردم برای بسیج آنان و مقاومت در برابر تجاوزکاران استفاده کند، در همه حال در صدد سازش و پذیرش اولتیماتوم بود.

در این هنگام، اخبار زدوخورد با قشون تزاری در رشت و تبریز، به تهران می رسید و اخبار مذکور ممکن بود نه فقط در مردم تهران، بلکه در مجلس نیز تلاطماتی ایجاد کند. از این جهت دولت به امضاء کلیه اعضا خود، پیشنهاد انحلال مجلس را به نایب السلطنه داد و مجلس دوم در روز ۳ دی ۱۲۹۰ منحل گردید.

در همین روز، قوای دولتی، برای سرکوب نیروهای ملی و ضد استعماری، باز کردن بازار ها، متفرق کردن کردن تظاهرات، به کار افتاد، آزادی های دموکراتیک به بهانه حفظ نظم و امنیت، پامال شد، به این طریق، انقلاب ایران، پس از ۶ سال پرتو فشانی، بدست قوای متحد امپریالیست های روس و انگلیس و اعیان و اشراف لیبرال ایران خاموش گردید.

در این مرحله، نقطه های نهضت کارگری رشد کرد و به صورت اعتصابات ظاهر شد و نخستین روزنامه کارگری به نام «اتفاق کارگران» انتشار یافت.

سند رسوائی و یا صورت عریضة شیخ فضل اله نوری

تقریباً عمر انقلاب مشروطه مردم ایران نزدیک به صد سال نزدیک می شود. و سالگرد صد سالگی آن در سال ۱۳۸۵ خواهد بود. این انقلاب کوشش نمود که نظام فنودالی پایان داده و سلطنت را برای همیشه از بین برده، و امپریالیسم روس و انگلیس را از ایران بیرون راند و استقلال و تمامیت ایران به عنوان کشوری مستقل، پایه گذاری نماید. در این انقلاب، مبارزین و مجاهدین چون ستار خان، حیدر عمو اوغلی، علی مسیو و باقرخان در صف رهبری آن انقلاب قرار داشتند. در صف ضد انقلاب عناصر خائنی برای امپریالیست انگلستان و روس خدمت می کردند. رهبران حکومت ملایان ایران به این نتیجه رسیده بودند که شیخ فضل الله نوری ملای درباری که بر علیه مشروطه خواهی بود و در مقابل ستارخان ایستاد و با استفاده از دین، مردم را در مقابل این قهرمانان مشروطه قرار داد. و عاقبت خود نیز توسط همان مردم مشروطه طلب و با شرکت پسر خویش در توپخانه تهران به دار آویخته شد. بعد از انقلاب نیمه انجام بهمن ۱۳۵۷، ملایان به قدرت خزیده، به ناگهان در تابستان ۱۳۵۷ از زبان خمینی و سپس انصار خلیفه جماران، «شهادت اسلام» شناخته شد. که جای تعجبی برای ما کمونیست های انقلابی در آن زمان نداشت. رژیم ملایان بنا بر رسم تمام رژیم های حاکم سرمایه داری، چه در مستعمره، چه در نیمه مستعمره و همچنین در کشورهای استعماری به تحریف تاریخ پرداختند.

رژیم جمهوری اسلامی در طول عمر ننگین ۲۷ ساله خود، تاریخ انقلاب مشروطه را تحریف نموده و از ضد انقلابیون، انقلابیون ساخت. حال ما برای روش شدن اذهان مردم کشورمان و ایرانیان خارج از کشور، نامه شیخ را از لای برگ های تاریخ کشورمان که توسط تاریخ نویسان واقعی که مدافع انقلاب مشروطیت بودند، بیرون کشیده و ننگ و خیانت شیخ و خوش خدمتی به «علیحضرت شاهنشاه ایران!» محمد علی شاه قاجار که در نامه ای به او نوشته است برای شما خوانندگان آورده ایم و در پایان همچنین جواب شاه به آن نامه را که در آن زمان نیز وسیعاً به چاپ رسید بود، می توانید به خوانید.

صورت عریضة شیخ فضل الله و امام جمعه و سایرین!

بسم الله الرحمن الرحيم - به موقف عرض بندگان اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه خلدالله ملکه و سلطانه، معروض میداریم: در دوازدهم شهر حال شوال که کارگزاران دولت جمع کثیری از وجوه علماء و شاهدگان و وزراء و امراء و اعیان و اشراف و تجار را حسب الامر احضار به دربار گردون مدار نمودند. از طرف قرین الشرف اراده سنیه را به اعطای مجلس شورای و تاسیس قوانین آن ابلاغ فرمودند. بنام حاضرین متق الکلمه جواب عرض نمودند که مجلس شورای عمومی منافی با قواعد اسلام است و ممکن الجمع نیست، چنانچه به رای العین مشاهده کردیم و ما مسلمانان که در تخت اقتدار سلطنت اسلامی هستیم ابداً راضی نمی شویم که وهنی به اسلام و دین ما برسد و پس از آن احکام حجج اسلام و علماء اعلام و ولایات گوشزد حاضرین شد و عرایض عدیده متظلمانه در استیمان از این بلیه عظیمه از طبقات علماء و اهل علم و طلاب و تجار و اصناف که غائب از آن محضر بودند، یکان یکان خوانده شد. بعد ذلک کلیه حضار مجلس از علماء و تمام طبقات به توسط جناب اشرف صدر اعظم عریضة ای متضرعانه در استدعای انصراف از این عزیمت به حضور باهر النور ملوکانه تقدیم داشتند و پس از استیذان شرفیاب حضور معدلت ظهور شدند و استدعای مجدانه حضوری هم نمودند و به وعده مراحم ملوکانه و قبول استدعای مقصد اسلامی به اصدار دستخط انجم نقط مرخص شدند، که تاکنون که یوم بیست و چهارم است، از ناحیه مقدسه اعلیحضرت همایونی دستخط آسایش شرف صدور نپذیرفته. از آنجائیکه به حکم محکم خلاق عالم جل اسمه حفظ بیضه اسلام در قرون و اعصار بر عهده سلطان وقت و علماء اعلام است، از آنروز تا حال همه روزه از داعیان مطالبه انجاز وعد و اصدار دستخط می نمایند و داعیان به دفع الوقت گذرانیده. تا امروز که مطالبه از حد گذشت، چاره ندیده جز شرفیابی در دربار معدلت آثار و بحمدالله نایل شدیم و از پیشگاه همایونی ایفاء به وعد را جداً مستدعی هستیم و چون این استدعا از جهت تکلیف شرعی است، از صاحب شرع رخصت رجوع نداریم. و متضرعانه جدا دستخط آفتاب نقط را در آسودگی اهل اسلام از اضطراب و وحشت و دهشت که در این مرحله دارند از سده سنیه استدعا داریم. قسم به جمیع معظمتات شرعیه که ما

ها بلکه تمام اهالی اسلام این مملکت برای تاسیس مجلس شورای عمومی حاضر نیستند و نتیجه آن را جز هدم دین و هرج و مرج و هد ردماء محترمه و هتک نوامیس اسلامیة نمیدانیم.

الامر امر الا قدس الا علی مطاع مطاع.

صورت دستخط اعلیحضرت بر حاشیه عریضه

بسمه تبارک و تعالی - جنابان مستطابان حجج اسلام و سلمهم الله تعالی. عزم ما همه وقت بر تقویت اسلام و حمایت به شریعت حضرت نبوی صلوات الله علیه بوده و هست، حال که مشکوف داشتید، تاسیس مجلس با قواعد اسلامیة منافی است و حکم به حرمت دادید و علماء ممالک هم به همین نحو کتباً و تلگرافاً حکم بر حرمت نمودند. در این صورت ما هم از این خیال بالمره منصرف و دیگر عنوان همچو مجلس نخواهد شد، لکن به توجهات حضرت امام زمان عجل الله فرجه در نشر عدالت و بسط معدلت دستو العمل لازم داده و میدهیم.

آن جنابان تمام طبقات را از این عزم خسروانه ما بر نشر معدلت و رعایت حقوق رعیت و اصلاح مفاسد بقانون دین مبین اسلام حضرت خاتم النبیین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین اطلاع بدهید

(محمد علی شاه قاجار)